

۷ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و.... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند، شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید.

برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

www.karnil.com

همچنین برای ورود به کانال تلگرام کارنیل روی لینک زیر کلیک کنید.

<https://telegram.me/karnil>

VOCABULARY

TOEFL®

لغات و اصطلاحات تافل همراه با معنی

محمدعلی باباپور

۱	abroad	خارج - به خارج - در خارج
۲	abrupt	ناگهانی
۳	acceptable	قابل قبول
۴	acclaim	تحسین
۵	actually	در واقع - حقیقتاً
۶	adverse	نامطلوب
۷	advice	توصیه - نصیحت - پیشنهاد
۸	attractive	جذاب - گیرا
۹	autonomous	مستقل - خودمختار
۱۰	disapproval	ناخرسندی - مخالفت
۱۱	disruptive	مختل کننده - مخل
۱۲	haphazardly	تصادفی
۱۳	persistent	پایدار - دائم - ماندگار
۱۴	valid	معتبر - موثق
۱۵	withdraw	کنار کشیدن - برداشت کردن - خارج کردن
۱۶	advantage	مزیت - امتیاز
۱۷	advent	ورود - ظهور - پیدایش
۱۸	agile	چابک - فرز - چالاک
۱۹	albeit	اگر چه - گر چه
۲۰	appealing	جذاب - جالب
۲۱	celebrated	معروف - مشهور
۲۲	collide	برخورد کردن - به هم خوردن
۲۳	contemporary	معاصر
۲۴	distribute	توزیع کردن - پخش کردن
۲۵	encourage	تشویق کردن
۲۶	energetic	پر انرژی - سرحال
۲۷	frail	ضعیف - شکننده
۲۸	myth	افسانه - اسطوره
۲۹	refine	تصفیه کردن

۳۰	worthwhile	مفید - ارزشمند
۳۱	alter	تغییر دادن - تغییر کردن
۳۲	analyze	تجزیه تحلیل کردن
۳۳	ancient	باستانی - کهن - قدیمی
۳۴	annoying	آزار دهنده
۳۵	anticipate	انتظار داشتن - پیشگویی کردن
۳۶	conform	تطابق داشتن - هماهنگ بودن
۳۷	enrich	غنی ساختن - افزایش دادن
۳۸	intensify	تشدید کردن
۳۹	intolerable	غیر قابل تحمل
۴۰	ongoing	جاری - فعلی
۴۱	potential	استعداد - توانایی
۴۲	propose	پیشنهاد کردن - مطرح کردن
۴۳	restore	بازگرداندن - احیا کردن
۴۴	turbulent	آشفته - متلاطم - نابسامان
۴۵	vital	حیاتی - ضروری - اساسی
۴۶	ambiguous	مبهم - دوپهلو
۴۷	arbitrary	دلخواهانه - بدون برنامه ریزی - اختیاری
۴۸	assert	گفتن - اعلان کردن
۴۹	astounding	شگفت انگیز
۵۰	astute	تیز - زیرک - باهوش
۵۱	concur	موافق بودن - هم رای بودن
۵۲	deceptively	به طرز گول زننده
۵۳	designate	مشخص کردن - منصوب کردن
۵۴	determined	مصمم - قطعی
۵۵	elicit	بیرون کشیدن - استخراج کردن
۵۶	instigate	راه انداختن - باعث شدن
۵۷	petition	دادخواهی - خواهش
۵۸	relinquish	از دست دادن - رها ساختن
۵۹	resilient	سرسخت - مقاوم
۶۰	tempt	وسوسه کردن - تحریک کردن
۶۱	baffle	گیج ساختن - مبهوت ساختن
۶۲	bear	محصول دادن - ثمره دادن
۶۳	block	مسدود کردن - مانع شدن
۶۴	blur	تار ساختن
۶۵	brilliant	روشن - با استعداد - باهوش
۶۶	caution	اخطار دادن - هشدار دادن
۶۷	delicate	شکندنده - ظریف - حساس
۶۸	enhance	تقویت کردن - افزایش دادن
۶۹	incessant	بی وقفه - مداوم
۷۰	in conjunction	توأم با - در کنار
۷۱	intrigue	مجدوب ساختن
۷۲	obstruct	بند آوردن - مسدود کردن - متوقف ساختن

۷۳	persuade	متقاعد کردن
۷۴	shed	کنار گذاشتن - انداختن
۷۵	unique	منحصراً به فرد - بی نظیر
۷۶	well-suited	متناسب - هماهنگ
۷۷	chiefly	عمدتاً - اساساً
۷۸	coarse	خشن - زمخت - ناهموار
۷۹	commonplace	پیش پا افتاده - متداول
۸۰	comparatively	نسبتاً - تا حدی
۸۱	complex	پیچیده
۸۲	conventional	مرسوم - متداول
۸۳	curious	عجیب
۸۴	emit	ساطع کردن - بیرون دادن
۸۵	exceedingly	بیش از حد - بی نهایت
۸۶	exclusively	منحصراً - فقط
۸۷	immense	عظیم - حجیم
۸۸	rigid	سفت - سخت
۸۹	routinely	به طور منظم - معمولاً
۹۰	sufficiently	به اندازه کافی
۹۱	visibly	آشکاراً - به وضوح
۹۲	attribute	ویژگی - خصلت
۹۳	clarify	توضیح دادن - آشکار ساختن
۹۴	conceal	پنهان ساختن
۹۵	confirm	تایید کردن
۹۶	convenient	مناسب - در دسترس - آسان
۹۷	core	اصلی - عمده - هسته
۹۸	critical	بحرانی - خطرناک - ضروری
۹۹	distort	تحریف کردن
۱۰۰	diverse	گوناگون - متنوع
۱۰۱	eventually	سرانجام - بالاخره
۱۰۲	prosperous	شکوفای - پر رونق
۱۰۳	purposefully	عمداً
۱۰۴	reveal	آشکار ساختن - برملا ساختن
۱۰۵	scarcely	بندرت - به سختی
۱۰۶	theoretically	از نظر فنی - در حرف
۱۰۷	accelerate	شتاب دادن - شتاب گرفتن
۱۰۸	creep	خزیدن
۱۰۹	crush	آسیاب کردن - خرد کردن - کوبیدن
۱۱۰	cultivate	پرورش دادن - کاشتن
۱۱۱	dictate	دیکته کردن - تحمل کردن
۱۱۲	distinguish	تمیز دادن - تشخیص دادن
۱۱۳	engender	باعث شدن - بوجود آمدن
۱۱۴	engross	مغذوب کردن
۱۱۵	flaw	عیب - نقص

۱۱۶	harvest	گردآوری کردن - برداشت کردن
۱۱۷	mirror	منعکس کردن - نشان دادن
۱۱۸	obtain	بدست آوردن - کسب کردن
۱۱۹	particle	ذره - جز - پاره
۱۲۰	settle	اقامت کردن - حل و فصل کردن
۱۲۱	transport	انتقال دادن - جابجا کردن
۱۲۲	accurate	دقت - درست
۱۲۳	classify	دسته بندی کردن
۱۲۴	currency	پول رایج - ارز
۱۲۵	deep	عمیق - کامل - دقیق
۱۲۶	dense	غلظت - متراکم
۱۲۷	dim	کم نور - ضعیف
۱۲۸	display	به نمایش گذاشتن
۱۲۹	exports	صادرات
۱۳۰	gigantic	عظیم - غول پیکر
۱۳۱	impressive	باشکوه - با ابهت
۱۳۲	install	نصب کردن - منصوب کردن
۱۳۳	lasting	بادوام - جاودانه - ماندگار
۱۳۴	treasury	خزانه
۱۳۵	straightforward	صریح - رک - آسان - ساده
۱۳۶	uniform	هماهنگ - یکنواخت
۱۳۷	vibrant	شاداب - با طراوت - روشن
۱۳۸	distinct	مشخص - متمایز - دقیق
۱۳۹	dominant	اصلی - عمده - غالب
۱۴۰	dormant	غیرفعال - خاموش
۱۴۱	drab	بی رنگ - بی روح
۱۴۲	dramatic	پرشور - پرهیجان
۱۴۳	eclectic	التقاطی - گلچین
۱۴۴	elaborate	پیچیده
۱۴۵	exceptional	عجیب و غریب - استثنائی
۱۴۶	hazardous	خطرناک
۱۴۷	minuscule	بسیار کوچک - ریز
۱۴۸	prime	آماده ساختن - اصلی - عمده
۱۴۹	rudimentary	ابتدایی - اولیه
۱۵۰	skeptical	شکاک - شکاکانه - ناباورانه
۱۵۱	superficial	سطحی
۱۵۲	vigorous	قوی - نیرومند
۱۵۳	amenity	آسایش - راحتی
۱۵۴	disperse	پراکنده ساختن
۱۵۵	dwelling	اسکان - مسکن - سکنی
۱۵۶	element	عنصر - جز - بخش
۱۵۷	elementary	اولیه - ابتدایی
۱۵۸	eliminate	حذف کردن

۱۵۹	emerge	ظاهر شدن - پیدار شدن
۱۶۰	emphasize	مورد تاکید قرار دادن
۱۶۱	encircle	احاطه کردن - حلقه زدن به دور
۱۶۲	erratic	ناهماهنگ - نامنظم
۱۶۳	exaggerate	غلو کردن
۱۶۴	justify	توجیه کردن
۱۶۵	mention	ذکر کردن - گفتن
۱۶۶	pervalent	متداول - معمول - شایع
۱۶۷	release	آزاد کردن - رها ساختن
۱۶۸	benefit	مفید بودن برای
۱۶۹	blind	ناآگاه - نابینا
۱۷۰	broaden	وسعت دادن
۱۷۱	burgeon	رونق گرفتن - ترقی کردن - شکوفا شدن
۱۷۲	conspicuously	به طرز قابل توجه - آشکارا
۱۷۳	endorse	تایید کردن - حمایت کردن از
۱۷۴	enormous	عظیم - بسیار زیاد
۱۷۵	entirely	کاملا - کلا
۱۷۶	erode	تحلیل رفتن - فرسوده شدن
۱۷۷	evaporate	ناپدید شدن - از بین رفتن
۱۷۸	noteworthy	شایان توجه - ارزشمند
۱۷۹	recover	باز یافتن
۱۸۰	reportedly	طبق گزارش
۱۸۱	shift	تغییر
۱۸۲	susceptible	آسیب پذیر - مستعد - پذیرا
۱۸۳	crucial	بسیار مهم - ضروری - لازم
۱۸۴	dignitary	شخص مهم و برجسته
۱۸۵	elude	گریختن
۱۸۶	evident	آشکار - واضح
۱۸۷	exhaust	به اتمام رساندن
۱۸۸	extensive	گسترده - وسیع
۱۸۹	face	روبرو شدن با - مواجه شدن با
۱۹۰	facet	جنبه - لحاظ - بعد
۱۹۱	idol	بت - صنم
۱۹۲	inaccessible	غیر قابل دسترس
۱۹۳	oblivious	بی توجه - بی اطلاع - غافل - بی خبر
۱۹۴	obviously	مسلم - قطعا
۱۹۵	offensive	توهین آمیز - زننده
۱۹۶	predictably	طبق انتظار
۱۹۷	suitable	مناسب - شایسته
۱۹۸	ample	کافی
۱۹۹	arid	خشک - بیابانی
۲۰۰	avert	دفع کردن - جلوگیری کردن
۲۰۱	defy	مقاومت کردن - تسلیم نشدن

۲۰۲	diligent	سخت کوش - ساعی
۲۰۳	enact	تصویب کردن
۲۰۴	feign	تظاهر کردن - وانمود کردن
۲۰۵	fertile	بارور - حاصلخیز
۲۰۶	freshly	اخیرا - بتازگی
۲۰۷	function	نقش - عمل کردن
۲۰۸	fundamental	اساسی - بنیادین
۲۰۹	indiscriminate	بدون برنامه ریزی
۲۱۰	selective	گزینشی
۲۱۱	spacious	جادار - وسیع
۲۱۲	withstand	ایستادگی کردن در برابر
۲۱۳	durable	بادوام - پایدار - جان سخت
۲۱۴	foster	باعث شدن - پروراندن
۲۱۵	favor	پسندیدن - تایید کردن
۲۱۶	gain	به دست آوردن
۲۱۷	halt	وقفه - متوقف کردن
۲۱۸	handle	برآمدن از پس - کنترل کردن
۲۱۹	harbor	پناه دادن به - جای دادن
۲۲۰	harmful	مضر - زیانبار
۲۲۱	insignificant	بی مفهوم - ناچیز
۲۲۲	mysterious	مرموز
۲۲۳	perilous	خطرناک
۲۲۴	promote	ارتقا دادن
۲۲۵	redundant	اضافی - زائد - دارای حشو
۲۲۶	reject	رد کردن - نپذیرفتن
۲۲۷	substantial	قابل ملاحظه
۲۲۸	trait	خصلت - ویژگی
۲۲۹	conscientious	با دقت - متعهد
۲۳۰	convey	رساندن - ابلاغ کردن
۲۳۱	encompass	در بر گرفتن
۲۳۲	expansion	گسترش - توسعه
۲۳۳	heighten	افزایش دادن - بالا بردن
۲۳۴	highlight	تکیه کردن بر - تاکید کردن بر
۲۳۵	inadvertently	سهوا - نادانسته
۲۳۶	inevitable	حتمی - ناگزیر
۲۳۷	infancy	آغاز - عدم بلوغ
۲۳۸	mimic	تقلید کردن - ادا درآوردن
۲۳۹	retrieve	باز یافتن
۲۴۰	systematically	به شکل اصولی و منظم
۲۴۱	unlikely	غیر ممکن - غیر محتمل
۲۴۲	unwarranted	غیر موجه - بی دلیل
۲۴۳	zenith	قله - اوج - کمال
۲۴۴	agitate	نگران کردن - آشفتن ساختن

۲۴۵	confidential	محرمانه - سری
۲۴۶	delighted	راضی - مشعوف - خرسند
۲۴۷	discreetly	مودبانه - محتاطانه - مدبرانه
۲۴۸	documented	مستند
۲۴۹	evoke	خاطره زنده کردن - به یاد آوردن
۲۵۰	gradually	بتدریج - پیوسته
۲۵۱	impartial	بی طرف - بی غرض
۲۵۲	inordinate	بیش از حد
۲۵۳	instantly	فورا
۲۵۴	intentionally	عمدا
۲۵۵	intrinsic	ذاتی - درونی - فطری
۲۵۶	inundate	زیر آب بردن
۲۵۷	nominal	اسمی - ملایم
۲۵۸	presumably	ظاهرا - گویا
۲۵۹	absurd	مسخره - مضحک
۲۶۰	allocation	توزیع - تخصیص
۲۶۱	balanced	متوازن - متعادل
۲۶۲	come across	برخوردن به
۲۶۳	culminate	منجر شدن - ختم شدن
۲۶۴	fallacious	نادرست - غلط
۲۶۵	feasible	ممکن - عملی
۲۶۶	lack	کمبود - نبود - فقدان
۲۶۷	limber	انعطاف پذیر
۲۶۸	means	شیوه - روش
۲۶۹	narrow	باریک
۲۷۰	preconception	پیش فرض
۲۷۱	robust	قوی - نیرومند
۲۷۲	steady	دائم - یکنواخت - مداوم
۲۷۳	swift	سریع - تند
۲۷۴	antiquated	قدیمی - از مد افتاده
۲۷۵	coherent	منسجم - هماهنگ
۲۷۶	evolve	رشد کردن - توسعه یافتن - تکامل یافتن
۲۷۷	fabricate	ساختن - سر هم کردن
۲۷۸	investigation	بررسی - کنکاش
۲۷۹	normally	عموما - معمولا
۲۸۰	notion	دید - مفهوم - برداشت
۲۸۱	novel	اصلی - اولیه - جدید
۲۸۲	opposition	مخالفت
۲۸۳	relate	ارتباط دادن - ابلاغ کردن
۲۸۴	suspect	گمان کردن - حدس زدن
۲۸۵	trigger	باعث شدن - موجب شدن
۲۸۶	unbiased	عینی - بدون تبعیض
۲۸۷	varied	متنوع - گوناگون - مختلف

۲۸۸	accentuate	تاکید کردن بر
۲۸۹	disguise	پنهان ساختن - کتمان کردن
۲۹۰	indifferent	بی تفاوت - بی توجهی - بی علاقه
۲۹۱	initiate	شروع کردن - آغاز کردن
۲۹۲	innovative	نوین - جدید - ابداع آمیز
۲۹۳	narrate	نقل کردن - روایت کردن
۲۹۴	nevertheless	با این وجود
۲۹۵	obsolete	از مد افتاده - منسوخ - قدیمی
۲۹۶	omit	حذف کردن - نادیده گرفتن
۲۹۷	outlandish	عجیب - نامتعارف
۲۹۸	overcome	فائق شدن بر
۲۹۹	partially	تا حدی - نسبتاً
۳۰۰	pass	تصویب کردن - تایید کردن
۳۰۱	portray	به تصویر کشیدن - مجسم کردن
۳۰۲	streamline	کارآمد کردن - تسهیل کردن
۳۰۳	decline	افت کردن - کاهش یافتن - نزول
۳۰۴	gather	جمع آوری کردن
۳۰۵	motion	جنبش - حرکت
۳۰۶	partisan	تعصب آمیز - جانبدارانه
۳۰۷	pattern	الگو - نقش و نگار
۳۰۸	phenomena	وقایع - پدیده ها
۳۰۹	philanthropic	انسان دوستانه
۳۱۰	placid	آرام
۳۱۱	plentiful	فراوان - وافر
۳۱۲	reaction	واکنش - عکس العمل
۳۱۳	rhythm	آهنگ - ریتم
۳۱۴	scenic	دیدنی - چشم نواز
۳۱۵	shallow	سطحی
۳۱۶	sheltered	بی دغدغه - آرام
۳۱۷	vanishing	در حال انقراض
۳۱۸	account	شرح حال - داستان - حساب
۳۱۹	archaic	کهنه - قدیمی - باستانی
۳۲۰	enlighten	آگاه کردن - روشن کردن
۳۲۱	hasten	شتاب دادن - شتاب گرفتن
۳۲۲	hue	رنگ
۳۲۳	inactive	بیکار - غیر فعال
۳۲۴	intricate	پیچیده - ظریف
۳۲۵	magnitude	بزرگی
۳۲۶	oblige	مجبور کردن - وادار کردن
۳۲۷	overlook	نادیده گرفتن
۳۲۸	poll	بررسی
۳۲۹	practical	عملی - کاربردی
۳۳۰	predominant	عمده - اصلی

۳۳۱	prompt	باعث شدن
۳۳۲	provoke	تحریک کردن - برانگیختن
۳۳۳	analogous	مشابه - شبیه
۳۳۴	approximately	تقریبا
۳۳۵	compel	مجبور کردن
۳۳۶	formidable	پر هیبت - سهمگین
۳۳۷	intrusive	مزاحم
۳۳۸	periodic	دوره ای - ادواری
۳۳۹	prone	مستعد
۳۴۰	prophetic	پشگویی - پیشگویانه
۳۴۱	proportions	ابعاد
۳۴۲	readily	به راحتی - آزادانه
۳۴۳	reliably	به گونه ای قابل اعتماد
۳۴۴	reluctantly	با بی میلی - با تعلل
۳۴۵	renown	شهرت - برجستگی
۳۴۶	revive	احیا کردن - زنده کردن
۳۴۷	triumph	موفقیت - پیروزی
۳۴۸	affordable	قابل خرید - مقرون به صرفه - قابل تهیه
۳۴۹	contaminated	آلوده
۳۵۰	discernible	قابل توجه - قابل مشاهده
۳۵۱	flourishing	پر رونق - شکوفا
۳۵۲	maintain	نگهداری کردن - حفظ کردن
۳۵۳	mediocre	متوسط - معمولی
۳۵۴	negligible	ناچیز - قابل اغماض
۳۵۵	parallel	مشابه - برابر - یکسان
۳۵۶	peculiar	عجیب
۳۵۷	potent	قوی - نیرومندانه
۳۵۸	remarkable	قابل توجه
۳۵۹	scattered	پراکنده
۳۶۰	solid	ثابت - منسجم - یکپارچه
۳۶۱	somewhat	کمی - قدری
۳۶۲	tedious	یکنواخت - خسته کننده
۳۶۳	briefly	به اختصار
۳۶۴	circulate	پخش شدن - پخش کردن
۳۶۵	consistently	بطور ثابت - بطور منظم
۳۶۶	exhibit	نشان دادن - نمایش دادن
۳۶۷	found	بنیان نهادن - تاسیس کردن
۳۶۸	improperly	به طرز ناشایست
۳۶۹	impulsively	بی اختیار - فی البداهه
۳۷۰	infrequently	بندرت
۳۷۱	isolated	مجزا - منزوی
۳۷۲	overtly	آشکارا - صریحا - به وضوح
۳۷۳	profoundly	عمیقا

۳۷۴	sharply	به سرعت - شدیداً
۳۷۵	situated	واقع
۳۷۶	subsequently	متعاقباً
۳۷۷	unmistakable	بی چون و چرا
۳۷۸	chaotic	آشفته - نامنظم
۳۷۹	controversial	جنگل برانگیز
۳۸۰	exemplify	توضیح دادن - نشان دادن
۳۸۱	gratifying	خشنود کننده - ارضا کننده
۳۸۲	interpret	تفسیر کردن - فهماندن
۳۸۳	launch	شروع کردن - آغاز کردن
۳۸۴	legitimate	قانونی - مشروع
۳۸۵	lethargy	تنبلی - خمودی - بی تفاوتی
۳۸۶	particular	مخصوص - ویژه
۳۸۷	radiant	روشن - درخشان - شاد
۳۸۸	ridge	نوک - قله
۳۸۹	span	پوشاندن
۳۹۰	spontaneous	خود جوش - خود به خود
۳۹۱	stream	جویبار - رود - جریان
۳۹۲	striking	قابل توجه - قابل ملاحظه
۳۹۳	aptly	به طرز مناسب
۳۹۴	demonstration	نمایش - تظاهرات
۳۹۵	ingredients	اجزا - عناصر
۳۹۶	involuntarily	ناخواسته - بی اختیار
۳۹۷	marvel	شگفتی - حیرت
۳۹۸	moderate	متوسط - معمولی - ملایم
۳۹۹	motivate	ترغیب کردن
۴۰۰	odd	عجیب
۴۰۱	profuse	شدید - فراوان - سخاوتمند
۴۰۲	reflection	انعکاس - بازتابش
۴۰۳	supposedly	ظاهراً
۴۰۴	sustained	پیوسته - مداوم
۴۰۵	symbols	نشانه ها - علائم
۴۰۶	synthesis	ساخت - ترکیب
۴۰۷	tangible	واقعی - ملموس
۴۰۸	aggravating	آزار دهنده
۴۰۹	amusement	سرگرمی - تفریح
۴۱۰	conceivably	احتمالاً
۴۱۱	convert	تغییر دادن - تغییر کردن
۴۱۲	curative	علاج بخش - شفا بخش
۴۱۳	debilitating	تضعیف کننده
۴۱۴	deplete	مصرف کردن
۴۱۵	finite	محدود
۴۱۶	perceive	حس کردن

۴۱۷	security	امنیت
۴۱۸	toxic	سمی - کشنده
۴۱۹	tranquility	آرامش
۴۲۰	trap	به دام انداختن
۴۲۱	undeniably	بی شک - قطعاً - مسلماً
۴۲۲	underestimated	دست کم گرفته شده
۴۲۳	acknowledge	اعتراف کردن - پذیرفتن
۴۲۴	acquire	کسب کردن
۴۲۵	assimilate	جذب کردن
۴۲۶	assortment	مجموعه - ترکیب
۴۲۷	caliber	کیفیت
۴۲۸	condensed	متراکم - خلاصه شده
۴۲۹	contradictory	ناهماهنگ - متناقض
۴۳۰	disregard	اعتنا نکردن به - توجه نکردن به
۴۳۱	precious	عزیز - با ارزش
۴۳۲	prominent	نامدار - برجسته
۴۳۳	requisite	مورد نیاز - ضروری
۴۳۴	unravel	پرده برداشتن از - گشودن
۴۳۵	vague	مبهم
۴۳۶	vast	وسیع - گسترده
۴۳۷	volume	حجم - مقدار
۴۳۸	charisma	جذابیت - کشش - کرشمه
۴۳۹	clever	زرنگ - زیرک
۴۴۰	convince	متقاعد کردن - قانع کردن
۴۴۱	endure	تحمل کردن - دوام آوردن
۴۴۲	forfeit	کنار گذاشتن - رها کردن
۴۴۳	precarious	خطرناک
۴۴۴	severe	شدید
۴۴۵	sporadic	پراکنده - نامنظم
۴۴۶	superior	برتر - عالی
۴۴۷	wanton	بی دلیل
۴۴۸	weak	بی اثر - ضعیف
۴۴۹	widespread	وسیع - گسترده
۴۵۰	wisdom	خرد - درایت - عقل - بصیرت
۴۵۱	witticism	شوخی طبیعی
۴۵۲	woo	جذب کردن
۴۵۳	antique	عتیقه - آنتیک - چیز قدیمی
۴۵۴	break	شکستگی
۴۵۵	colleague	همکار
۴۵۶	dusk	غروب آفتاب - دم غروب
۴۵۷	engrossed	غرق در - مجذوب - شیفته
۴۵۸	expire	از اعتبار افتادن
۴۵۹	gam	گوهر - سنگ قیمتی

۴۶۰	intrude	مزاحم شدن
۴۶۱	project	پرتاب کردن
۴۶۲	promulgate	اعلان کردن
۴۶۳	strive	تلاش کردن - کوشیدن
۴۶۴	stubborn	سر سخت - سر سخنانه
۴۶۵	thrifty	صرفه جو - اقتصادی - دقیق
۴۶۶	trivial	بی اهمیت
۴۶۷	trust	اعتماد کردن به - تکیه کردن به
۴۶۸	amateur	آماتور - غیر حرفه ای
۴۶۹	column	ستون
۴۷۰	deride	مسخره کردن
۴۷۱	enlogy	تحسین - ستایش
۴۷۲	expand	وسعت یافتن
۴۷۳	ferry	انتقال دادن - حمل کرن
۴۷۴	further	بیشتر - اضافی
۴۷۵	inquisitive	کنجکاو - فضول
۴۷۶	irritable	زود رنج
۴۷۷	precisely	دقیقا
۴۷۸	proximity	نزدیکی
۴۷۹	reach	رسیدن به - دست یافتن به
۴۸۰	reckless	بی پروا - بی دقت
۴۸۱	stale	کهنه - مانده
۴۸۲	tepid	ولرم
۴۸۳	alleviate	تسکین دادن
۴۸۴	dubious	مردد - دودل
۴۸۵	eradicate	از میان بردن - ریشه کن کردن
۴۸۶	fowl	پرنده - مرغ و خروس
۴۸۷	outline	خلاصه - چکیده - فشرده
۴۸۸	pensive	تو فکر - غرق در فکر
۴۸۹	precede	رفتن قبل از - قرار گرفتن قبل از
۴۹۰	property	ویژگی - خاصیت
۴۹۱	rage	سبک - مد
۴۹۲	respect	احترام گذاشتن به
۴۹۳	seize	ضبط کردن - گرفتن - توقیف کردن
۴۹۴	sluggish	کند - آهسته
۴۹۵	swerve	ناگهان پیچیدن
۴۹۶	warrant	حکم - مجوز کتبی
۴۹۷	yelp	فریاد زدن - جیغ زدن
۴۹۸	applaud	دست زدن برای - تحسین کردن
۴۹۹	callous	سنگدل - بی احساس
۵۰۰	combination	تلفیق - ترکیب - ادغام
۵۰۱	crave	خواستن - طلبیدن - میل داشتن
۵۰۲	culpable	مقصر - مجرم - گناهکار

۵۰۳	fret	نگران بودن
۵۰۴	hardy	مقاوم - نیرومند
۵۰۵	hubbub	سروصدا و آشفتگی
۵۰۶	limit	حد - محدوده
۵۰۷	luminous	درخشان - روشن
۵۰۸	prior	پیش از
۵۰۹	tendency	تمایل - گرایش - استعداد
۵۱۰	transact	انجام دادن
۵۱۱	tumble	افتادن
۵۱۲	ultimate	غایی - نهایی
۵۱۳	astound	متحیر ساختن - متعجب کردن
۵۱۴	confinement	حبس - اسارت
۵۱۵	drenched	خیس - بسیار مرطوب
۵۱۶	envelop	در بر گرفتن - احاطه کردن
۵۱۷	hesitant	دودل - مردد - بی میل
۵۱۸	humid	گرم و مرطوب
۵۱۹	incredible	باور نکردنی - غیر قابل باور
۵۲۰	just	منصف - بیطرف - منصفانه
۵۲۱	muster up	گردآوری کردن - جمع کردن
۵۲۲	perpetual	دائم
۵۲۳	prolong	تمدید کردن - کش دادن
۵۲۴	resemble	شباهت داشتن به - شبیه بودن به
۵۲۵	retard	مانع شدن از - کند کردن
۵۲۶	roughly	تقریباً - حدوداً
۵۲۷	sanction	تنبیه - مجازات
۵۲۸	adequate	کافی
۵۲۹	boundless	نامحدود - بی حد و حصر
۵۳۰	brutal	وحشیانه - بی رحم - بی رحمانه
۵۳۱	cautiously	محتاطانه - با احتیاط
۵۳۲	expound	شرح دادن
۵۳۳	foretell	پیشگویی کردن
۵۳۴	handy	دم دست - در دسترس
۵۳۵	industrious	سخت کوش - ساعی
۵۳۶	jeopardy	مخاطره - خطر
۵۳۷	penetrate	نفوذ کردن به
۵۳۸	raze	از بین بردن - تخریب کردن
۵۳۹	shrewd	زیرک - تیز - زرنگ
۵۴۰	testify	شهادت دادن
۵۴۱	tether	بستن
۵۴۲	unaware of	نا آگاه از - بی خبر
۵۴۳	blunder	خطا - اشتباه
۵۴۴	body	مقدار - میزان
۵۴۵	confident	مطمئن

۵۴۶	congenial	مطلوب
۵۴۷	heed	توجه کردن به
۵۴۸	inert	غیر فعال
۵۴۹	murky	تار - تاریک
۵۵۰	proprietor	مالک
۵۵۱	quest	جستجو
۵۵۲	request	درخواست - خواهش
۵۵۳	reside	زندگی کردن - اقامت داشتن
۵۵۴	sip	جرعه جرعه نوشیدن
۵۵۵	tolerate	کنار آمدن با - تحمل کردن
۵۵۶	unorganized	نامنظم - سازمان نیافته
۵۵۷	vacant	خالی - اشغال نشده
۵۵۸	admonish	هشدار دادن
۵۵۹	bicker	بگومگو کردن - بحث کردن
۵۶۰	cataclysm	فاجعه
۵۶۱	cluttered	نامنظم - درهم و برهم
۵۶۲	consortium	ائتلاف - کنسرسیوم
۵۶۳	detest	متنفر بودن از - منزجر بودن از
۵۶۴	far-reaching	گسترده - جامع - فراگیر
۵۶۵	hasty	سریع - شتابزده
۵۶۶	imperfection	عیب - نقص - نقیصه
۵۶۷	meteor	جرم سماوی - شهاب سنگ
۵۶۸	routine	معمولی - متداول
۵۶۹	sever	قطع کردن - بریدن
۵۷۰	shrug	شانه بالا انداختن
۵۷۱	suspend	به تعلیق درآوردن
۵۷۲	vagabond	ولگرد - فرد سرگردان
۵۷۳	abate	کاهش یافتن - فروکش کردن
۵۷۴	annual	سالانه
۵۷۵	coat	پوشاندن
۵۷۶	composed of	تشکیل شدن از
۵۷۷	doze	به خواب رفتن - خوابیدن
۵۷۸	famine	قحطی - گرسنگی
۵۷۹	framework	قالب - ساختار
۵۸۰	hoarse	خشن - زمخت
۵۸۱	imminent	قریب الوقوع
۵۸۲	menace	تهدید - ارباب
۵۸۳	oxidized	زنگ زده - زنگ خورده - اکسیده
۵۸۴	pick out	انتخاب کردن - برگزیدن
۵۸۵	publish	چاپ کردن - تولید کردن
۵۸۶	purify	ضد عفونی کردن - تصفیه کردن
۵۸۷	stirring	هیجان انگیز - تکان دهنده
۵۸۸	blossom	شکوفه

۵۸۹	bud	جوانه
۵۹۰	colonist	مقیم - ساکن
۵۹۱	desiccate	خشک کردن
۵۹۲	dweller	ساکن - مقیم
۵۹۳	elimination	حذف - نابودی
۵۹۴	frigid	بسیار سرد
۵۹۵	induce	باعث شدن
۵۹۶	native	بومی - محلی
۵۹۷	parched	خشک
۵۹۸	previously	قبلا
۵۹۹	process	عمل آوردن
۶۰۰	saturate	خیساندن
۶۰۱	simultaneously	همزمان
۶۰۲	successive	پیایی - پشت سر هم
۶۰۳	acrid	تلخ - تند
۶۰۴	aqueduct	آبراه - کانال آب
۶۰۵	benign	بی ضرر - خوش خیم
۶۰۶	cede	واگذار کردن
۶۰۷	concisely	باختصار - بطور خلاصه
۶۰۸	contemplation	تعمق - تفکر
۶۰۹	daringly	دلیرانه
۶۱۰	essential	مهم - ضروری
۶۱۱	legislature	قانون گذاران - قوه مقننه
۶۱۲	nominate	نامزد کردن - برگزیدن
۶۱۳	purge	پاک کردن - زدودن
۶۱۴	relevant	مربوط - مرتبط
۶۱۵	specimen	نمونه
۶۱۶	spicy	پر ادویه - بامزه
۶۱۷	timid	ترسو - خجالتی
۶۱۸	apprehend	دستگیری کردن
۶۱۹	benevolent	مهربان - خیرخواه
۶۲۰	binary	دو گانه - دو تایی
۶۲۱	brink	لبه - آستانه
۶۲۲	courage	جرات - شجاعت - بی باکی
۶۲۳	deplete	کاهش دادن
۶۲۴	disintegration	فروپاشی
۶۲۵	disprove	رد کردن - انکار کردن
۶۲۶	draw	استخراج کردن - بیرون کشیدن
۶۲۷	drawback	عیب - بدی - اشکال
۶۲۸	equal	برابر - یکسان - معادل
۶۲۹	fashion	روش - شیوه - سبک
۶۳۰	liberate	آزاد ساختن
۶۳۱	profuse	فراوان - وافر

۶۳۲	raise	مطرح کردن - پیشنهاد کردن
۶۳۳	avert	دفع کردن - دوری کردن از
۶۳۴	burst	منفجر شدن - ترکیدن
۶۳۵	captive	زندانی - اسیر
۶۳۶	create	آفریدن - بوجود آوردن
۶۳۷	equitable	منصف - برابر
۶۳۸	flourish	رونق داشتن - رونق یافتن
۶۳۹	miniature	مینیاچور - تصویر کوچک
۶۴۰	minute	ریز - بسیار کوچک - بسیار کم
۶۴۱	procedure	شیوه - روش
۶۴۲	propel	هل دادن - سوق دادن
۶۴۳	prosper	رونق گرفتن
۶۴۴	reiterate	تکرار کردن - خاطر نشان کردن
۶۴۵	secede	کنار کشیدن
۶۴۶	stagnant	راکد - آرام - بی حرکت
۶۴۷	ultimately	سرانجام - بالاخره - نهایتاً
۶۴۸	bleak	یخ زده - بسیار سرد
۶۴۹	bloom	شکوفه
۶۵۰	brew	دم کردن - دم کشیدن
۶۵۱	concoction	ترکیب - مخلوط
۶۵۲	currently	در حال حاضر - فعلاً
۶۵۳	delectable	خوشمزه - مطبوع
۶۵۴	entail	در بر گرفتن - شامل شدن
۶۵۵	excessive	بیش از حد - مفرط
۶۵۶	feat	دستاورد
۶۵۷	horde	توده - اجتماع
۶۵۸	ignite	مشتععل کردن - مشتععل شدن
۶۵۹	juice	مایع - عصاره - آب
۶۶۰	specifically	بطرز خاص
۶۶۱	tangy	تند - ادویه زده
۶۶۲	virtually	عملاً
۶۶۳	athlete	ورزشکار
۶۶۴	basically	اصولاً - اساساً
۶۶۵	boost	افزایش دادن
۶۶۶	brittle	شکستنی - ظریف - شکننده
۶۶۷	carol	آواز - نغمه
۶۶۸	dwindle	کاهش یافتن
۶۶۹	emanate	پدید آمدن - نشات گرفتن
۶۷۰	frivolous	پوچ - بی اهمیت
۶۷۱	inappropriate	نامناسب - ناشایسته
۶۷۲	lumber	الوار - چوب
۶۷۳	momentous	مهم
۶۷۴	pedal	پدال

۶۷۵	speculate	فکر کردن - اندیشیدن
۶۷۶	support	اثبات کردن - تایید کردن
۶۷۷	whim	هوس - میل آنی
۶۷۸	definite	مشخص - واضح
۶۷۹	eclectic	مختلط - التقاطی
۶۸۰	varying	مختلف - متنوع
۶۸۱	whereas	در صورتیکه - در حالیکه - بر عکس
۶۸۲	dialect	لهجه
۶۸۳	addle	گندیده - فاسد
۶۸۴	logically	منطقا - عقلا
۶۸۵	patient	صبور - شکيبا - بردباری
۶۸۶	married	متاهل - شوهر دار - عروسی کرده
۶۸۷	attacking	متهاجم - تک کننده
۶۸۸	trial	محاکمه - دادرسی - آزمایش - امتحان
۶۸۹	deathly	مرگبار - مهلک
۶۹۰	suspected	مظنون - مورد شک
۶۹۱	breeze	نسیم - باد ملایم
۶۹۲	queen	وزیر - شهبانو - زن پادشاه
۶۹۳	accomplishment	دستاورد - مهارت
۶۹۴	beverage	نوشیدنی - نوشابه
۶۹۵	bombard	بمباران کردن - اشباع کردن
۶۹۶	bride	عروس - همسر جدید
۶۹۷	denounce	حمله کردن - نکوهش کردن
۶۹۸	drastically	بسیار - خیلی
۶۹۹	gratitude	قدردانی - سپاس
۷۰۰	guarantee	ضمانت
۷۰۱	implement	ابزار - وسیله
۷۰۲	lavy	تحمل کردن - وضع کردن
۷۰۳	opportunity	فرصت
۷۰۴	rational	منطقی - معقول
۷۰۵	shrewd	تیز - زیرک - باهوش
۷۰۶	staple	عنصر اصلی
۷۰۷	unanimity	هم رأی - اتفاق نظر
۷۰۸	adept	ماهر - متخصص
۷۰۹	assessment	ارزیابی - سنجش
۷۱۰	concede	اعتراف کردن
۷۱۱	conduct	رفتار کردن
۷۱۲	curtail	کوتاه کردن - کاهش دادن
۷۱۳	discipline	انضباط
۷۱۴	evacuate	تخلیه کردن
۷۱۵	expose	به نمایش گذاشتن
۷۱۶	moderate	معقول - مستدل
۷۱۷	notify	آگاه ساختن - مطلع کردن

۷۱۸	paltry	ناچیز - بی اهمیت
۷۱۹	portable	قابل حمل - قابل حرکت
۷۲۰	terminate	پایان دادن به - به پایان رسیدن
۷۲۱	triumphantly	پیروزمندانه - فاتحانه
۷۲۲	unsuccessful	ناموفق - بیهوده
۷۲۳	candid	رک - صریح - صادق - کاندیدا - نامزد
۷۲۴	cathedral	کلیسای جامع
۷۲۵	clandestine	مخفیانه - سری
۷۲۶	conventional	معمولی - متعارف
۷۲۷	elaborate	توضیح دادن
۷۲۸	encounter	روبرو شدن با
۷۲۹	Identify	تشخیص دادن
۷۳۰	intelligible	قابل فهم - قابل درک
۷۳۱	loyal	وفادار
۷۳۲	nonchalant	خونسرد - بی تفاوت
۷۳۳	occasionally	گاه - بعضی اوقات
۷۳۴	previous	قبلی - پیشین
۷۳۵	rendezvous	دیدار - قرار
۷۳۶	susceptible	آسیب پذیر
۷۳۷	transition	تغییر
۷۳۸	allude	اشاره کردن
۷۳۹	cancel	لغو کردن
۷۴۰	clique	گروه - دار و دسته
۷۴۱	criteria	استانداردها - ملاک ها
۷۴۲	forecast	پیشگویی کردن
۷۴۳	grievance	شکایت - نارضایتی
۷۴۴	innocuous	بی ضرر
۷۴۵	license	مجوز دادن - اجازه قانونی دادن
۷۴۶	occur	صورت گرفتن - اتفاق افتادن
۷۴۷	optimistic	امیدوار
۷۴۸	pass away	در گذشتن - فوت کردن
۷۴۹	provoke	خشمگین کردن - تحریک کردن
۷۵۰	seriously	جدا - بطرز جدی
۷۵۱	veterinarian	دامپزشک
۷۵۲	ubiquitous	فراگیر - همه جا حاضر
۷۵۳	acknowledge	اعتراف کردن - اذعان داشتن
۷۵۴	affiliated	وابسته
۷۵۵	calamitous	فاجعه آمیز - فاجعه بار
۷۵۶	consent	اجازه - رضایت
۷۵۷	convalescence	بهبودی
۷۵۸	frequently	زیاد - اغلب - به کرات
۷۵۹	gullible	زود باور - گول خور
۷۶۰	likely	ممکن - احتمالی - محتمل

۷۶۱	obesity	چاقی
۷۶۲	obsolete	قدیمی - منسوخ
۷۶۳	particularly	خصوصاً - بویژه
۷۶۴	portrait	تصویر - عکس
۷۶۵	proof	شاهد - مدرک
۷۶۶	relatively	نسبتاً
۷۶۷	right away	فورا
۷۶۸	accompany	همراهی کردن - رفتن با
۷۶۹	assassin	قاتل - ضارب
۷۷۰	authority	مسئول
۷۷۱	chamber	حفره - سوراخ
۷۷۲	courteous	مودب
۷۷۳	incredible	باور نکردنی
۷۷۴	model	تقلید کردن از
۷۷۵	negotiate	مذاکره کردن
۷۷۶	objective	هدف - مقصد
۷۷۷	permanently	برای همیشه - دائم
۷۷۸	regime	رژیم - حکومت
۷۷۹	relentless	بی وقفه
۷۸۰	reluctant	بی میل
۷۸۱	subsequent	بعدی
۷۸۲	sufficient	کافی - به اندازه کافی
۷۸۳	dirty	کثیف - آلوده
۷۸۴	droop	پژمرده شدن
۷۸۵	epitomize	مظهر - نشان
۷۸۶	husk	پوست
۷۸۷	intersect	یکدیگر را قطع کردن - برخورد - تقسیم کردن
۷۸۸	motto	شعار - سرلوحه
۷۸۹	nourishment	تغذیه
۷۹۰	obscurity	ابهام
۷۹۱	paramount	والا - عالی
۷۹۲	prudent	عاقلا نه
۷۹۳	rate	نرخ
۷۹۴	resurrect	احیاء کردن
۷۹۵	rind	پوست
۷۹۶	slick	روان
۷۹۷	transform	تغییر دادن
۷۹۸	yearn	آرزو داشتن - تمایل داشتن
۷۹۹	anguish	درد - رنج
۸۰۰	appraisal	ارزیابی
۸۰۱	beckon	علامت دادن
۸۰۲	bring about	موجب شدن - بوجود آوردن
۸۰۳	carefree	بی خیال - بی دغدغه

۸۰۴	clamorous	پر سر و صدا
۸۰۵	fort	برج - قلعه
۸۰۶	glossary	واژه نامه - فهرست واژگان
۸۰۷	modify	تغییر دادن - اصلاح کردن
۸۰۸	propriety	شرافت - ادب
۸۰۹	reverse	در جهت عکس عمل کردن
۸۱۰	retort	پاسخ - جواب
۸۱۱	scrap	ماده زائد
۸۱۲	segment	تقسیم کردن
۸۱۳	skeptical	شکاک - بدبین
۸۱۴	agility	فرزی - چالاکی - زرنگی
۸۱۵	agreement	توافقنامه - موافقت نامه
۸۱۶	blizzard	کولاک
۸۱۷	digit	رقم - عدد
۸۱۸	dilate	گشاد کردن
۸۱۹	divide	تقسیم کردن - جدا کردن
۸۲۰	enticing	جذاب - گیرا
۸۲۱	hesitate	درنگ کردن - دودل بودن
۸۲۲	hilarious	خنده دار
۸۲۳	impatient	بی حوصله - عصبانی
۸۲۴	massive	بسیار بزرگ - عظیم
۸۲۵	precaution	احتیاط - اقدام پیشگیرانه
۸۲۶	properties	دارایی - املاک
۸۲۷	tamper	دستکاری کردن - دست زدن به
۸۲۸	affliction	رنج - بیماری
۸۲۹	amble	گردش کردن - تفریح کردن
۸۳۰	clemency	ترحم - عفو - بخشش
۸۳۱	crave	خواستن - طلبیدن
۸۳۲	deceased	مرحوم - متوفی - مرده
۸۳۳	disdain	مسخره کردن - تحقیر کردن
۸۳۴	genetic	ارثی - موروثی - ژنتیکی
۸۳۵	naive	ساده لوح - خام - جاهل
۸۳۶	queer	عجیب و غریب
۸۳۷	resolute	قاطع - مصمم - سفت و محکم
۸۳۸	rural	روستایی
۸۳۹	strategy	راهبرد - استراتژی - تدبیر
۸۴۰	tacit	تلویحی
۸۴۱	warrant	توجیه کردن
۸۴۲	zone	منطقه - ناحیه
۸۴۳	abet	حمایت کردن از
۸۴۴	accretion	انباشت - تجمع
۸۴۵	carcass	جسد - لاشه - مردار
۸۴۶	contract	جمع شدن - منقبض شدن

۸۴۷	inundate	فراگرفتن - پوشاندن
۸۴۸	lapse	لغزش - خطا
۸۴۹	overall	کلی - جامع
۸۵۰	pacific	آرام
۸۵۱	pervasive	فراگیر - گسترده
۸۵۲	prosecute	تحت پیگرد قانونی قرار دادن
۸۵۳	query	پرسش
۸۵۴	seep	نشت کردن - چکه کردن
۸۵۵	shun	دوری کردن از - پرهیز کردن
۸۵۶	traverse	عبور کردن از - رد شدن از
۸۵۷	weird	عجیب
۸۵۸	authority	اقتدار - قدرت
۸۵۹	batter	زدن
۸۶۰	buoyant	شناور
۸۶۱	channel	هدایت کردن
۸۶۲	genealogical	شجره ای - تبار شناختی
۸۶۳	inclination	گرایش - میل
۸۶۴	incredulous	دیر باور - شکاک
۸۶۵	loathe	متنفر بودن از - منزجر بودن از
۸۶۶	masonry	سنگ کاری - سنگ چینی
۸۶۷	scarcity	کمبود
۸۶۸	site	محل - مکان - موقعیت
۸۶۹	tract	گسترده - پهنه
۸۷۰	submerged	غرق در آب
۸۷۱	wilt	پژمرده شدن
۸۷۲	worthwhile	مفید - سودمند
۸۷۳	acute	شدید
۸۷۴	anemia	کم خونی - ضعف
۸۷۵	bolster	تداوم بخشیدن - تقویت کردن
۸۷۶	cane	کتک زدن - زدن
۸۷۷	clash	درگیر شدن - دعوا کردن
۸۷۸	cluster	جمع شدن - گرد آمدن
۸۷۹	composite	ترکیبی - ترکیب - مرکب
۸۸۰	numb	بی حس - کرخت
۸۸۱	pliant	انعطاف پذیر - سازگار
۸۸۲	relics	بقایا
۸۸۳	sly	زرنگ - زیرک - رند - ناقلا
۸۸۴	stimulate	برانگیختن
۸۸۵	surname	نام خانوادگی
۸۸۶	synthesis	ترکیب - ادغام
۸۸۷	vigilant	مراقب - بیدار
۸۸۸	abolish	منسوخ کردن - پایان دادن
۸۸۹	acquisition	فراگیری - یادگیری

۸۹۰	bulge	افزایش
۸۹۱	crude	خام - تصفیه نشده
۸۹۲	demolition	تخریب - نابودی
۸۹۳	epic	شعر حماسی
۸۹۴	exert	بکار بردن - اعمال کردن
۸۹۵	indispensable	لازم - ضروری
۸۹۶	lament	سوگواری کردن - ماتم و زاری کردن
۸۹۷	mow	چیدن - زدن
۸۹۸	reason	استدلال کردن
۸۹۹	recently	بتازگی - اخیرا
۹۰۰	useful	قابل استفاده - مفید
۹۰۱	versus	در برابر
۹۰۲	widely	به میزان وسیعی
۹۰۳	abruptly	ناگهان - بطور غیر منتظره
۹۰۴	adhere	چسبیدن - پایبند بودن
۹۰۵	alien	بیگانه - عجیب و غریب
۹۰۶	domestic	اهلی - رام
۹۰۷	emaciated	لاغر - ضعیف - نحیف - نزار
۹۰۸	infamous	معروف - بدنام
۹۰۹	liability	مسئولیت - وظیفه
۹۱۰	link	وصل کردن - ربط دادن
۹۱۱	lump	قلنبه
۹۱۲	obituary	اطلاعیه ترحیم
۹۱۳	persist	ادامه دادن - ادامه یافتن
۹۱۴	procure	تهیه کردن - بدست آوردن
۹۱۵	soothe	آرام کردن - تسکین بخشیدن
۹۱۶	stable	ایمن - ثابت
۹۱۷	surrender	تسلیم شدن
۹۱۸	ability	توانمندی - توانایی
۹۱۹	abject	اسفبار - نکبت بار
۹۲۰	compensate	جبران کردن
۹۲۱	drudgery	کار پر زحمت - کار سخت
۹۲۲	expose	در معرض چیزی قرار دادن
۹۲۳	formerly	قبلا - پیش از این
۹۲۴	inexplicable	غیر قابل توجیه
۹۲۵	key	کلیدی - مهم
۹۲۶	pompous	متکبر - خود پسند - مغرور
۹۲۷	present	موجود - فعلی - حاضر
۹۲۸	prodigious	عظیم - بسیار بزرگ
۹۲۹	repel	دفع کردن
۹۳۰	species	نوع - گونه
۹۳۱	uprising	نا آرامی - شورش - قیام
۹۳۲	version	نقل قول - روایت

۹۳۳	alcove	پستو - طاقچه
۹۳۴	cherished	ارزشمند - دوست داشتنی - عزیز
۹۳۵	concur	موافق بودن
۹۳۶	flawed	ناقص - معیوب
۹۳۷	impetus	محرک - انگیزه
۹۳۸	imposing	عظیم - باشکوه - با نفوذ - با ابهت
۹۳۹	outstanding	برجسته - عالی
۹۴۰	rate	ارزیابی کردن
۹۴۱	spurt	بیرون زدن - فوران کردن
۹۴۲	staunch	قوی - پروپا قرص
۹۴۳	thorough	دقیق - جامع - کامل
۹۴۴	thoroughfare	خیابان اصلی - جاده اصلی
۹۴۵	thrive	رونق یافتن
۹۴۶	thus	از اینرو - بنابراین
۹۴۷	benefactor	حامی - صاحب خیر - بانی
۹۴۸	bizarre	عجیب
۹۴۹	counteract	مقابله کردن با
۹۵۰	commuter	مسافر درون شهری
۹۵۱	contrive	پدید آوردن - ابداع کردن
۹۵۲	decay	فاسد کردن - خراب کردن
۹۵۳	discrimination	تبعیض
۹۵۴	evenly	بطور یکنواخت
۹۵۵	expedition	مسافرت ماموریتی - سفر
۹۵۶	fake	ساختگی - جعلی - تقلبی
۹۵۷	fibrous	فیبری - الیاف مانند - لیفی
۹۵۸	intentional	عمدی
۹۵۹	remnants	بقایا - بقیه
۹۶۰	stride	پیشرفت - قدم - گام
۹۶۱	tremor	لرزش
۹۶۲	angle	منظر - دیدگاه
۹۶۳	application	استعمال - استفاده - کاربرد
۹۶۴	bright	براق - تابناک - درخشان
۹۶۵	commence	شروع کردن - آغاز کردن
۹۶۶	etiology	علت - دلیل
۹۶۷	floor	عمق - ته - کف
۹۶۸	harbor	بندرگاه - بندر
۹۶۹	haven	محل امن - پناهگاه
۹۷۰	luminosity	درخشش
۹۷۱	monologue	سخنرانی - نطق
۹۷۲	research	کنکاش - تحقیق - پژوهش
۹۷۳	strong	نیرومند - قوی
۹۷۴	tension	تضاد - درگیری
۹۷۵	unparalleled	بی نظیر - بی بدیل

۹۷۶	unusual	عجیب - غیر معمول
۹۷۷	acceleration	افزایش - تسریع
۹۷۸	adorn	تزیین کردن - زیبا ساختن
۹۷۹	apprehensive	نگران - ترسیده
۹۸۰	arduous	پر زحمت - شاق - طاقت فرسا
۹۸۱	delegate	قدرت دادن به - اختیار دادن به
۹۸۲	devastating	ویرانگر - مخرب
۹۸۳	disposal	خدمت - اختیار
۹۸۴	distress	گرفتاری - ناراحتی
۹۸۵	flimsy	ظریف - لطیف
۹۸۶	jettison	دور انداختن
۹۸۷	legible	خوانا
۹۸۸	pernicious	مضر - زیانبار - مهلک
۹۸۹	replenish	تجدید کردن
۹۹۰	thrust	حرکت
۹۹۱	utilitarian	کاربردی
۹۹۲	abhorrence	نفرت - انزجار
۹۹۳	advocate	توصیه کردن - طرفداری کردن
۹۹۴	derision	استهزاء - تمسخر
۹۹۵	hamlet	روستا
۹۹۶	income	درآمد
۹۹۷	marsh	باتلاق
۹۹۸	painstaking	زحمتکش - طاقت فرسا
۹۹۹	ponder	اندیشیدن - تامل کردن
۱۰۰۰	recurrent	مکرر - تکراری
۱۰۰۱	simply	فقط - صرفاً
۱۰۰۲	thriving	در حال رونق - شکوفا
۱۰۰۳	thwart	شکست دادن
۱۰۰۴	transitory	زودگذر - موقت
۱۰۰۵	trigger	باعث شدن - فعال شدن
۱۰۰۶	vividly	به وضوح - به طور زنده
۱۰۰۷	about-face	تغییر موضع - چرخش - عقب گرد
۱۰۰۸	affection	محبت - دوستی - عشق
۱۰۰۹	afflict	آزار دادن - گرفتار کردن
۱۰۱۰	aloof	سواء - به دور از
۱۰۱۱	common	مشترک
۱۰۱۲	despondent	ناراحت - ناامید
۱۰۱۳	flourish	رشد کردن - زندگی کردن
۱۰۱۴	haphazard	نامنظم - کتره ای
۱۰۱۵	itinerant	سیار - دوره گرد
۱۰۱۶	meticulously	بدقت
۱۰۱۷	rubble	قطعات - آوار
۱۰۱۸	slant	کج کردن

۱۰۱۹	splendid	بسیار خوب - عالی
۱۰۲۰	trample	پایمال کردن
۱۰۲۱	vessel	کشتی
۱۰۲۲	addicted	دلبسته - شیفته - وابسته
۱۰۲۳	carnivorous	گوشتخوار
۱۰۲۴	catastrophic	فاجعه بار - فاجعه انگیز
۱۰۲۵	cumbersome	زمخت - ثقیل - دست و پا گیر
۱۰۲۶	dedicate	وقف کردن - تقدیم کردن
۱۰۲۷	gurrulous	پرچانه - پر حرف
۱۰۲۸	globular	مدور - گرد - کروی
۱۰۲۹	gummy	چسبناک
۱۰۳۰	heyday	اوج محبوبیت - ترقی
۱۰۳۱	immeasurably	بسیار
۱۰۳۲	reform	پیشرفت - اصلاح - بهبودی
۱۰۳۳	riddle	معما - چیستان
۱۰۳۴	streamline	ساده کردن - تسهیل کردن
۱۰۳۵	stubby	کوتاه - خپل
۱۰۳۶	wholeheartedly	مشتاقانه - با تمام وجود
۱۰۳۷	biased	جانبدارانه - متعصبانه
۱۰۳۸	boom	رشد کردن - پیشرفت کردن
۱۰۳۹	bounce	پرش - جهش
۱۰۴۰	bully	زور گفتن - ترساندن
۱۰۴۱	credulous	خوش خیال - زودباور
۱۰۴۲	huge	بسیار بزرگ - عظیم
۱۰۴۳	laborer	عمله - کارگر ساده
۱۰۴۴	nomadic	چادرنشین - آواره
۱۰۴۵	pace	سرعت - آهنگ - شتاب
۱۰۴۶	pause	ایست - توقف - وقفه
۱۰۴۷	plead	التماس کردن - خواهش کردن
۱۰۴۸	relay	پخش کردن - ارسال کردن - فرستادن
۱۰۴۹	sap	شیره گیاهی
۱۰۵۰	synthetically	به شیوه ی مصنوعی
۱۰۵۱	tale	داستان - قصه - حکایت
۱۰۵۲	affinity	رابطه قلبی - دوستی
۱۰۵۳	ceaseless	دائم - مداوم - بی وقفه
۱۰۵۴	contaminate	آلوده کردن - مسموم کردن
۱۰۵۵	elaborately	به طرز پیچیده
۱۰۵۶	emerge	پدیدار شدن - ظاهر شدن
۱۰۵۷	fairly	نسبتا - قدری - تا حدی
۱۰۵۸	fluctuate	نوسان داشتن - متغیر بودن
۱۰۵۹	forsake	رها کردن - ترک کردن
۱۰۶۰	gorge	بلعیدن
۱۰۶۱	intuitive	حدسی - شهودی - فطری

۱۰۶۲	manifest	نشان دادن
۱۰۶۳	mute	آرام - بی صدا - ساکت
۱۰۶۴	progressively	بتدریج
۱۰۶۵	remains	لاشه - جسد
۱۰۶۶	tolerance	بردباری - تحمل
۱۰۶۷	advance	ارائه کردن - پیشنهاد کردن
۱۰۶۸	augment	افزایش دادن
۱۰۶۹	avid	علاقمند - مشتاق
۱۰۷۰	authentic	اصیل - واقعی
۱۰۷۱	commemorate	یاد کردن از - تجلیل کردن از
۱۰۷۲	compatible	سازگار - هماهنگ - منطبق
۱۰۷۳	coordinated	سازماندهی شده - هماهنگ
۱۰۷۴	endangered	در معرض خطر
۱۰۷۵	financial	مالی - پولی
۱۰۷۶	reciprocal	دوطرفه - دوجانبه
۱۰۷۷	refute	نقض کردن - رد کردن
۱۰۷۸	resounding	عظیم
۱۰۷۹	secret	پنهانی - سری - مخفیانه
۱۰۸۰	unswerving	ثابت - غیر قابل تغییر
۱۰۸۱	zany	احمقانه - مسخره - مضحک
۱۰۸۲	achieve	کسب کردن - بدست آوردن
۱۰۸۳	clue	سرنخ - ردپا - نشانه
۱۰۸۴	concentrate	متمرکز شدن - تمرکز کردن
۱۰۸۵	consistent	هماهنگ - منظم
۱۰۸۶	descent	منشا - اصل
۱۰۸۷	hostility	خشونت - خصومت
۱۰۸۸	incredibly	به گونه ای باور نکردنی
۱۰۸۹	ingredient	مورد - جزء - قلم
۱۰۹۰	intriguing	جذاب - جالب
۱۰۹۱	orient	جهت دادن - سوق دادن
۱۰۹۲	prime	عمده - اصلی
۱۰۹۳	purchase	خریدن
۱۰۹۴	retain	نگه داشتن - حفظ کردن
۱۰۹۵	resolution	قطعنامه - اعلانیه
۱۰۹۶	step	اقدام
۱۰۹۷	according to	مطابق - بر طبق
۱۰۹۸	collide	برخورد کردن
۱۰۹۹	constrain	محدود کردن
۱۱۰۰	establish	تاسیس کردن - بنیان نهادن
۱۱۰۱	indigenous	بومی - محلی
۱۱۰۲	inhabit	سکونت داشتن - اقامت داشتن
۱۱۰۳	moody	دمدمی مزاج - متغیر
۱۱۰۴	notion	اندیشه - فکر

۱۱۰۵	organization	سازماندهی - برنامه ریزی
۱۱۰۶	peak	اوج - نوک
۱۱۰۷	pedestal	پایه مجسمه - تندیس پایه
۱۱۰۸	prickle	آزار دادن - آزار
۱۱۰۹	universally	در سراسر دنیا - همه جا
۱۱۱۰	valid	معتبر - موثق
۱۱۱۱	variation	تغییر
۱۱۱۲	ailment	بیماری
۱۱۱۳	attribute	خصلت - ویژگی
۱۱۱۴	elucidate	توضیح دادن - روشن کردن
۱۱۱۵	homage	احترام
۱۱۱۶	mend	تعمیر کردن - ترمیم کردن
۱۱۱۷	mutation	جهش - دگرگونی
۱۱۱۸	nibble	گاز زدن
۱۱۱۹	notorious	بدنام
۱۱۲۰	renowned	معروف - مشهور
۱۱۲۱	spearhead	پیشگام بودن - هدایت کردن
۱۱۲۲	temperate	ملایم - معتدل
۱۱۲۳	twirl	چرخاندن - چرخیدن
۱۱۲۴	vacuous	بی معنی - تهی
۱۱۲۵	valiant	جسورانه - متهورانه - شجاع
۱۱۲۶	vanquish	مغلوب ساختن
۱۱۲۷	abundant	فراوان
۱۱۲۸	associate	معاشرت کردن
۱۱۲۹	assuage	تسکین دادن - آرام کردن
۱۱۳۰	canal	کانال - آبراه
۱۱۳۱	inspect	بررسی کردن
۱۱۳۲	intrepid	بی باک - متهور
۱۱۳۳	metaphor	استعاره
۱۱۳۴	scrutiny	بررسی - کنکاش
۱۱۳۵	serve	عمل کردن - بکار رفتن
۱۱۳۶	trace	ردپا - نشانه
۱۱۳۷	treacherous	خطرناک
۱۱۳۸	usurp	اشغال کردن - غصب کردن
۱۱۳۹	urge	محرک - انگیزه
۱۱۴۰	utilization	کاربرد - استفاده
۱۱۴۱	vitality	شادابی - انرژی - نیرو
۱۱۴۲	appreciable	قابل ملاحظه - قابل توجه
۱۱۴۳	device	ابزار - وسیله
۱۱۴۴	exceed	تجاوز کردن از
۱۱۴۵	foster	رواج دادن - بوجود آوردن
۱۱۴۶	largely	اصولا - عمدتا
۱۱۴۷	origin	خاستگاه - منشا

۱۱۴۸	repulse	دفع کردن
۱۱۴۹	reputable	معروف - معتبر
۱۱۵۰	sabotage	خسارت - خرابکاری
۱۱۵۱	serene	آرام
۱۱۵۲	stigma	ننگ - رسوایی - بی آبرویی
۱۱۵۳	temperament	خلق و خو - شخصیت
۱۱۵۴	unique	متمایز - منحصر بفرد
۱۱۵۵	wary	مراقب - دقیق
۱۱۵۶	whet	برانگیختن
۱۱۵۷	allocate	اختصاص دادن - تخصیص دادن
۱۱۵۸	analogy	همانندی - شباهت
۱۱۵۹	belligerent	خشن - نامهربانانه
۱۱۶۰	compulsory	اجباری - الزامی
۱۱۶۱	congestion	ازدحام - شلوغی
۱۱۶۲	determinant	عامل موثر - عامل تعیین کننده
۱۱۶۳	guarantee	ضمانت - تضمین
۱۱۶۴	illusion	باور نادرست
۱۱۶۵	inaugurate	معرفی کردن - افتتاح کردن
۱۱۶۶	interactive	تعاملی - تبادلی
۱۱۶۷	orbit	چرخیدن
۱۱۶۸	stalwart	تنومند - قوی - هیکل دار
۱۱۶۹	turmoil	آشفته‌گی - اغتشاش
۱۱۷۰	revere	تجلیل کردن از
۱۱۷۱	documentation	استناد
۱۱۷۲	atop	بر فراز - بالای
۱۱۷۳	bail	وثیقه
۱۱۷۴	bearing	تأثیر
۱۱۷۵	congested	شلوغ - پر ازدحام
۱۱۷۶	deliberately	عمدا
۱۱۷۷	enterprise	پروژه ی تجاری
۱۱۷۸	fascinate	مجدوب کردن - شیفته کردن
۱۱۷۹	hilarious	خنده دار
۱۱۸۰	induce	متقاعد کردن
۱۱۸۱	mask	پنهان کردن - کتمان کردن
۱۱۸۲	morsel	لقمه
۱۱۸۳	oblivious	غافل - ناآگاه
۱۱۸۴	squash	له کردن - صاف کردن
۱۱۸۵	substance	ماده
۱۱۸۶	token	مظهر - نشانه
۱۱۸۷	absorb	جذب کردن
۱۱۸۸	audacious	بی پروا - بی باک - متهور
۱۱۸۹	barren	عقیم - نازا
۱۱۹۰	consequence	نتیجه - پیامد

۱۱۹۱	dominant	اصلی - عمده - برجسته
۱۱۹۲	exacting	دقیق - سخت گیر
۱۱۹۳	fluffy	پفکی - پف دار
۱۱۹۴	greatly	بسیار زیاد
۱۱۹۵	outrageous	اهانت آمیز
۱۱۹۶	plump	تپلی - چاق و چله
۱۱۹۷	pool	سهمیم شدن - یک کاسه شدن
۱۱۹۸	respond	پاسخ دادن
۱۱۹۹	symptom	نشانه - علامت
۱۲۰۰	time	زمان - عصر - دوره
۱۲۰۱	torrential	سیل آسا - سنگین
۱۲۰۲	ancestors	اجداد - نیاکان
۱۲۰۳	artifact	آثار دستی
۱۲۰۴	calling	حرفه - شغل
۱۲۰۵	crest	تاج - نوک
۱۲۰۶	deck	تزیین کردن
۱۲۰۷	emotion	احساس
۱۲۰۸	estimated	تقریبی
۱۲۰۹	intricate	پیچیده
۱۲۱۰	locale	صحنه - مکان
۱۲۱۱	obstinate	سرسخت - کله شق
۱۲۱۲	onset	شروع - آغاز
۱۲۱۳	palatable	لذیذ - خوشمزه - مطبوع
۱۲۱۴	principle	قانون - اصل
۱۲۱۵	stay	ماندن
۱۲۱۶	synopsis	خلاصه - چکیده - فشرده
۱۲۱۷	compile	تدوین کردن - جمع آوری کردن
۱۲۱۸	concentration	تجمع - تمرکز
۱۲۱۹	cruel	خشن - بی رحم
۱۲۲۰	damage	خسارت - صدمه - آسیب
۱۲۲۱	deduce	استنتاج کردن - نتیجه گرفتن
۱۲۲۲	deft	متبحر - ماهر
۱۲۲۳	designate	مشخص کردن
۱۲۲۴	dwarf	کوتوله - کوچک - کوچولو
۱۲۲۵	embark	دست بکار شدن - شروع کردن
۱۲۲۶	exonerate	تبرئه کردن
۱۲۲۷	expulsion	اخراج
۱۲۲۸	instigate	به راه انداختن - باعث شدن
۱۲۲۹	potential	امکان
۱۲۳۰	provided	به شرطی که - اگر
۱۲۳۱	striking	قابل ملاحظه - چشمگیر
۱۲۳۲	accord	دادن - اعطا کردن
۱۲۳۳	common	عادی - طبیعی - معمولی

۱۲۳۴	contours	فضای بیرون - نمای بیرونی
۱۲۳۵	elegant	مد - مد روز
۱۲۳۶	emblem	مظهر - نماد - نشانه
۱۲۳۷	envious	حسود - غبطه خور
۱۲۳۸	ferocious	خشن - وحشی
۱۲۳۹	flair	مهارت - استعداد
۱۲۴۰	fuel	تحریک کردن - باعث شدن
۱۲۴۱	fugitive	متواری - فراری
۱۲۴۲	intermittent	ادواری - متناوب
۱۲۴۳	mandatory	ضروری - لازم - اجباری
۱۲۴۴	originate	شروع شدن - نشات گرفتن
۱۲۴۵	restoration	بازسازی - نوسازی
۱۲۴۶	tame	رام کردن - اهلی کردن
۱۲۴۷	asymmetrical	نامتوازن - نامتقارن
۱۲۴۸	ban	ممنوع کردن - قدغن کردن
۱۲۴۹	derogatory	انتقاد آمیز - خفت بار
۱۲۵۰	detain	بازداشت کردن
۱۲۵۱	essentially	اصولا - اساسا
۱۲۵۲	expire	به سر آمدن - به پایان رسیدن
۱۲۵۳	heterogeneous	ناهمگون - متنوع
۱۲۵۴	inhale	نفس کشیدن - استنشاق کردن
۱۲۵۵	numerous	فراوان - بی شمار - متعدد
۱۲۵۶	objection	مخالفت - اعتراض
۱۲۵۷	primitive	ساده - اولیه - بدوی
۱۲۵۸	runaway	افسار گسیخته
۱۲۵۹	stun	از حرکت انداختن - بی حرکت کردن
۱۲۶۰	symbolize	نشان دادن - نماد چیزی بودن
۱۲۶۱	turn	تبدیل شدن
۱۲۶۲	access	راهیابی - دستیابی
۱۲۶۳	adversely	بطرز سوء
۱۲۶۴	current	حاضر - فعلی
۱۲۶۵	derive	کسب کردن - بدست آوردن
۱۲۶۶	fabulous	معرکه - عالی - بسیار خوب
۱۲۶۷	feature	ویژگی - خصلت
۱۲۶۸	fragmented	تکه پاره - تکه تکه
۱۲۶۹	grieve	غصه دار بودن - ماتم گرفتن
۱۲۷۰	hardly	بندرت
۱۲۷۱	mount	صعود کردن - بالا رفتن
۱۲۷۲	nominal	ناچیز - کم - جزئی
۱۲۷۳	obscure	مرموز - مبهم
۱۲۷۴	ornament	آراسته کردن - تزئین کردن
۱۲۷۵	sophisticated	غامص - پیچیده
۱۲۷۶	strain	نوع - گونه

۱۲۷۷	appall	مبهوت ساختن - تکان دادن
۱۲۷۸	bond	رابطه - ارتباط
۱۲۷۹	disrupt	به هم زدن - مختل کردن
۱۲۸۰	ephemeral	بی دوام - گذرا - زود گذر
۱۲۸۱	extinct	ناپدید - از بین رفته - نابود
۱۲۸۲	expose	افشاء کردن - پرده برداشتن از
۱۲۸۳	faction	حزب - گروه
۱۲۸۴	forbears	نیاکان - اجداد
۱۲۸۵	glimmer	درخشیدن
۱۲۸۶	incessantly	مدام - دائم
۱۲۸۷	jeer	هو کردن - مسخره کردن
۱۲۸۸	kidnap	ربودن - دور کردن
۱۲۸۹	sinuous	پر پیچ و خم - مارپیچ
۱۲۹۰	stun	متحیر ساختن - مبهوت کردن
۱۲۹۱	valued	عزیز - با ارزش
۱۲۹۲	auction	مزایده - حراج
۱۲۹۳	cessation	توقف - وقفه - مکث
۱۲۹۴	cite	اشاره کردن به - ذکر کردن
۱۲۹۵	discord	ناسازگاری - بحث
۱۲۹۶	exalted	عالی - متعالی
۱۲۹۷	forge	جعل کردن
۱۲۹۸	fraud	حقه - کلک - کلاه برداری
۱۲۹۹	fundamentally	اصولا - اساسا
۱۳۰۰	isolate	جدا کردن
۱۳۰۱	jam	بند آوردن - ازدحام کردن
۱۳۰۲	kernel	مغز - هسته
۱۳۰۳	martial	نظامی
۱۳۰۴	oversee	نظارت کردن بر
۱۳۰۵	stylish	مد روز - شیک
۱۳۰۶	suffocate	خفه کردن
۱۳۰۷	abhorrent	تنفر آمیز
۱۳۰۸	amass	جمع کردن - گردآوری کردن
۱۳۰۹	cleanse	پاک ساختن - تطهیر کردن
۱۳۱۰	dismal	دلگیر - غم انگیز
۱۳۱۱	dissuade	منصرف کردن - باز داشتن
۱۳۱۲	emit	تولید کردن - بیرون دادن
۱۳۱۳	fragile	شکونده
۱۳۱۴	furthermore	بعلاوه
۱۳۱۵	germinate	رشد کردن
۱۳۱۶	implication	تداعی - اشاره
۱۳۱۷	jovial	شاد
۱۳۱۸	legislate	به تصویب رساندن
۱۳۱۹	lucid	قابل فهم - روشن

۱۳۲۰	novice	نوآموز - تازه کار - مبتدی
۱۳۲۱	strike	اصابت کردن به - برخورد کردن به
۱۳۲۲	adopt	برگزیدن
۱۳۲۳	blend	آمیزه - تلفیق - ترکیب
۱۳۲۴	cryptic	مبهم - سری - مرموز
۱۳۲۵	devise	خلق کردن - ابداع کردن
۱۳۲۶	evaporate	محو شدن - ناپدید شدن
۱۳۲۷	exploit	سوء استفاده کردن از
۱۳۲۸	fleeting	ناپایدار - گذرا
۱۳۲۹	keen	قوی - دقیق
۱۳۳۰	morale	روحیه
۱۳۳۱	norm	هنجار - ضابطه - قرارداد
۱۳۳۲	practicable	ممکن - عملی
۱۳۳۳	prolific	پر کار - پر اثر - پر تلاش
۱۳۳۴	slip	خطا - لغزش
۱۳۳۵	teem	مملو بودن از
۱۳۳۶	unanimous	هم رای - هم نظر
۱۳۳۷	bonanza	ترقی - رونق
۱۳۳۸	conspicuous	آشکار - مشخص - تو چشم
۱۳۳۹	contemplate	تعمق کردن - تأمل کردن
۱۳۴۰	deranged	آشفته عقل - پریشان حواس
۱۳۴۱	deplore	محکوم کردن - تقبیح کردن
۱۳۴۲	enthrall	مسحور کردن - شیفته کردن
۱۳۴۳	exorbitant	بیش از حد
۱۳۴۴	expel	اخراج کردن
۱۳۴۵	extraneous	نامربوط - بی ربط
۱۳۴۶	foster	پرورش دادن - بزرگ کردن
۱۳۴۷	miraculous	اعجاز آمیز - معجزه آسا
۱۳۴۸	misdemeanor	خطا کاری
۱۳۴۹	peculiarly	بطرز عجیبی
۱۳۵۰	securities	اوراق مشارکت
۱۳۵۱	standard	معمول - مرسوم - متعارف
۱۳۵۲	accord	توافق نامه - موافقت نامه
۱۳۵۳	aid	یاری - کمک
۱۳۵۴	coagulate	لخته شدن - سفت شدن
۱۳۵۵	ensue	نشأت گرفتن - پدید آمدن
۱۳۵۶	novel	تازه - جدید
۱۳۵۷	obese	چاق
۱۳۵۸	obliterate	از بین بردن - نابود کردن
۱۳۵۹	predator	جانور شکاری
۱۳۶۰	praise	تحسین کردن - ستودن
۱۳۶۱	retroactive	عطف به ما سبق
۱۳۶۲	spawn	آفریدن - تولید مثل کردن

۱۳۶۳	stretch	امتداد دادن - کشیدن
۱۳۶۴	substantially	به میزان قابل ملاحظه ای
۱۳۶۵	tan	برنزه کردن - برنزه شدن
۱۳۶۶	wriggle	وول خوردن
۱۳۶۷	accomplished	ماهر - متبحر
۱۳۶۸	assume	تصور کردن
۱۳۶۹	being	موجود - موجود زنده
۱۳۷۰	beyond	فرا تر از - خارج از
۱۳۷۱	boon	نعمت - موهبت
۱۳۷۲	colossal	بزرگ - عظیم
۱۳۷۳	compound	ترکیب
۱۳۷۴	considerable	مهم - قابل ملاحظه
۱۳۷۵	deliberation	تامل - تفکر
۱۳۷۶	pluck	چیدن
۱۳۷۷	primarily	اصولا - اساسا
۱۳۷۸	resources	منابع - مواد
۱۳۷۹	sentimentality	احساس
۱۳۸۰	specific	مشخص - ویژه - خاص
۱۳۸۱	squeeze	فشردن - فشرده کردن
۱۳۸۲	bias	تبعیض - جانبداری
۱۳۸۳	butt	مضحکه - مایه خنده - آماج
۱۳۸۴	concept	مفهوم
۱۳۸۵	deity	خدا
۱۳۸۶	facile	بی محتوا - سطحی
۱۳۸۷	fissure	درز - شکاف - ترک
۱۳۸۸	gainsay	رد کردن - انکار کردن
۱۳۸۹	harbinger	منادی - پیام آور
۱۳۹۰	haughty	متکبرانه - مغرور - متکبر
۱۳۹۱	invoke	استناد کردن به - متوسل شدن به
۱۳۹۲	impotent	عاجز - ناتوان
۱۳۹۳	jaundiced	بدبینانه - مغرضانه
۱۳۹۴	lance	سوراخ کردن
۱۳۹۵	maroon	رها کردن - تنها گذاشتن
۱۳۹۶	pitfall	خطر - دشواری
۱۳۹۷	brainstorm	فکر بکر
۱۳۹۸	component	جزء - بخش
۱۳۹۹	contrast	مقایسه کردن
۱۴۰۰	decrease	کم شدن - کاهش یافتن
۱۴۰۱	engender	ایجاد کردن - بوجود آوردن
۱۴۰۲	erosion	زوال - فرسایش
۱۴۰۳	fractious	شیطان - تخس
۱۴۰۴	garner	جمع آوری کردن - گردآوری کردن
۱۴۰۵	genre	گونه - نوع

۱۴۰۶	hamper	مانع شدن - کند کردن
۱۴۰۷	incongruous	بی مناسبت - نا هماهنگ
۱۴۰۸	intervene	دخالت کردن - مداخله کردن
۱۴۰۹	noxious	مضر
۱۴۱۰	oblique	نامشخص - مبهم
۱۴۱۱	primeval	اولیه
۱۴۱۲	blunt	صاف و صادق - رک - صریح
۱۴۱۳	conclusive	مسلم - قطعی
۱۴۱۴	confront	مقابله کردن - برخورد کردن
۱۴۱۵	diction	بیان
۱۴۱۶	essay	مقاله - انشاء
۱۴۱۷	fraction	مقدار کم - بخش کوچک
۱۴۱۸	giggle	هرهر خندیدن
۱۴۱۹	hearsay	شایعه
۱۴۲۰	infer	نتیجه گرفتن - استنتاج کردن
۱۴۲۱	parody	مسخره کردن - تقلید کردن
۱۴۲۲	quandary	دوراهی - تردید
۱۴۲۳	redundant	اضافی - غیر ضروری
۱۴۲۴	strangulate	خفه کردن
۱۴۲۵	warp	کج و معوج - پیچاندن
۱۴۲۶	wretched	نکبت بار - فلاکت بار
۱۴۲۷	adjacent	بغل - همجواری - مجاور
۱۴۲۸	foolproof	قابل اعتماد
۱۴۲۹	germane	مربوط - مرتبط
۱۴۳۰	gravity	جدیت - اهمیت
۱۴۳۱	lethargic	تنبل - کسل
۱۴۳۲	mercilessly	با بی رحمی - بیرحمانه
۱۴۳۳	ominous	شوم - تهدید آمیز
۱۴۳۴	peruse	خواندن
۱۴۳۵	proclaim	اعلان کردن - اعلام کردن
۱۴۳۶	rapproach	رابطه - دوستانه
۱۴۳۷	rebuke	توبیخ کردن - سرزنش کردن
۱۴۳۸	sardonic	تحقیر آمیز - تمسخر آمیز
۱۴۳۹	trait	خصلت - ویژگی
۱۴۴۰	vista	منظره - چشم انداز
۱۴۴۱	woo	خواستگاری کردن - اظهار عشق کردن
۱۴۴۲	arbitrarily	تصادفی - بدون برنامه ریزی
۱۴۴۳	charm	مجدوب کردن - شیفته کردن
۱۴۴۴	coerce	وادار کردن - مجبور کردن
۱۴۴۵	cognizant	آگاه
۱۴۴۶	discreet	ملاحظه کار - محتاط
۱۴۴۷	legacy	ارث - میراث
۱۴۴۸	lenient	مهربان - رئوف

۱۴۴۹	mutter	من من کردن - زیر لب حرف زدن
۱۴۵۰	nurture	پرورش دادن - بزرگ کردن
۱۴۵۱	obstacle	گیر - مانع
۱۴۵۲	pervade	پراکنده شدن - پخش شدن در - نفوذ کردن در
۱۴۵۳	pivotal	حیاتی - ضروری - اساسی - محوری
۱۴۵۴	recollection	خاطره
۱۴۵۵	stifle	خفه کردن
۱۴۵۶	wade	به آب زدن
۱۴۵۷	anarchy	هرج و مرج - بی قانونی
۱۴۵۸	eventually	سرانجام - در نهایت
۱۴۵۹	huddle	گرد آمدن - جمع شدن
۱۴۶۰	knack	مهارت - قلق
۱۴۶۱	ludicrous	مسخره - مضحک
۱۴۶۲	ostracize	کنار گذاشتن - طرد کردن
۱۴۶۳	plagiarize	سرقت کردن - سرقت ادبی
۱۴۶۴	rarely	به ندرت
۱۴۶۵	recalcitrant	نافرمان - کله شق
۱۴۶۶	repudiate	رد کردن - انکار کردن
۱۴۶۷	rustic	روستایی - ساده
۱۴۶۸	strife	درگیری - نزاع
۱۴۶۹	surge	پیش رفتن - به جلو رفتن
۱۴۷۰	symmetrical	متوازن - متقارن
۱۴۷۱	wit	شوخی - شوخ طبعی
۱۴۷۲	anonymous	بی نام و نشان
۱۴۷۳	anthology	مجموعه - گلچین
۱۴۷۴	ballad	داستان منظوم - آواز
۱۴۷۵	cogent	قوی
۱۴۷۶	countless	بی شمار
۱۴۷۷	debate	مورد بحث قرار دادن
۱۴۷۸	discrete	مجزا - بی ربط - گسسته
۱۴۷۹	disparage	ناچیز پنداشتن - دست کم گرفتن
۱۴۸۰	faked	ساختگی - قلابی - جعلی
۱۴۸۱	hazy	مردد - نامطمئن
۱۴۸۲	heinous	وقیح - فجیح
۱۴۸۳	hoist	بر افراشتن - به اهتزاز در آوردن
۱۴۸۴	morsel	مقدار کم
۱۴۸۵	proponent	طرفدار - حامی
۱۴۸۶	rotate	چرخیدن
۱۴۸۷	accuracy	دقت - صحت
۱۴۸۸	adapt	عادت کردن - خو گرفتن
۱۴۸۹	compliment	ستودن - تحسین کردن
۱۴۹۰	confound	گیج و مبهور کردن
۱۴۹۱	elementally	اصولا - اساسا

۱۴۹۲	eruption	فوران
۱۴۹۳	extinction	انقراض - نابودی
۱۴۹۴	flood	سیل - تعداد زیاد
۱۴۹۵	impact	تاثیر
۱۴۹۶	infinitesimal	بسیار کم - بسیار ریز
۱۴۹۷	lucidity	وضوح - صراحت
۱۴۹۸	march	پیشروی کردن
۱۴۹۹	plunge	پایین رفتن - کاهش یافتن
۱۵۰۰	sustain	نگه داشتن - تحمل کردن
۱۵۰۱	unleash	رها کردن
۱۵۰۲	approximate	نزدیک شدن به
۱۵۰۳	boost	افزایش دادن
۱۵۰۴	conserve	نگه داشتن - ذخیره کردن
۱۵۰۵	consequently	در نتیجه
۱۵۰۶	detectable	آشکار - مشهود
۱۵۰۷	expeditiously	بسرعت
۱۵۰۸	implement	انجام دادن - اجرا کردن
۱۵۰۹	inhibit	مانع شدن - جلوگیری کردن از
۱۵۱۰	inviting	جذاب
۱۵۱۱	magnify	تشدید کردن
۱۵۱۲	pore	منفذ - سوراخ - حفره
۱۵۱۳	role	نقش
۱۵۱۴	skid	لغزیدن - لیز خوردن
۱۵۱۵	witness	مشاهده کردن - شاهد بودن
۱۵۱۶	yield	ارائه کردن
۱۵۱۷	constitute	تشکیل دادن
۱۵۱۸	correspondingly	به همان اندازه - به همان نسبت
۱۵۱۹	consolidate	یکی کردن - ادغام کردن
۱۵۲۰	domain	ناحیه - قلمرو
۱۵۲۱	excavate	حفر کردن
۱۵۲۲	facilitate	تسهیل کردن
۱۵۲۳	grasp	درک - فهم
۱۵۲۴	hallmark	ویژگی - خصوصیت
۱۵۲۵	incorporate	ترکیب کردن
۱۵۲۶	pit	گودال - حفره
۱۵۲۷	prevent	پیشگیری کردن
۱۵۲۸	prototype	مدل - نمونه
۱۵۲۹	raise	بزرگ کردن
۱۵۳۰	readily	براحتی
۱۵۳۱	viable	عملی - کاربردی
۱۵۳۲	aesthetically	از نظر هنری
۱۵۳۳	bind	بستن
۱۵۳۴	devote	اختصاص دادن

۱۵۳۵	diffuse	پخش شدن - منتشر شدن
۱۵۳۶	dispute	بحث
۱۵۳۷	enable	قادر ساختن
۱۵۳۸	feed	قرار دادن - خوراندن
۱۵۳۹	gap	درز - روزنه - شکاف
۱۵۴۰	mundane	معمولی - پیش پا افتاده
۱۵۴۱	indulge	مشارکت کردن
۱۵۴۲	lavish	وافر - فراوان
۱۵۴۳	refreshing	عجیب - غیر معمول
۱۵۴۴	rupture	ترکیدن - منفجر شدن
۱۵۴۵	snap	پاره شدن - شکسته شدن
۱۵۴۶	story	طبقه
۱۵۴۷	discard	دور انداختن - رها شدن از
۱۵۴۸	employ	به کار بردن - استفاده کردن از
۱۵۴۹	herald	اعلام کردن - منادی چیزی بودن
۱۵۵۰	major	اصلی - عمده
۱۵۵۱	obvious	آشکار - هویدا
۱۵۵۲	position	کار - موقعیت
۱۵۵۳	precise	دقیق
۱۵۵۴	skepticism	شک - تردید
۱۵۵۵	subsidy	یارانه
۱۵۵۶	suffrage	حق رای
۱۵۵۷	superfluous	اضافی - غیر ضروری
۱۵۵۸	surreptitious	دزدکی - پنهانی - مخفیانه
۱۵۵۹	tantamount	برابر - معادل
۱۵۶۰	terse	موجز - مختصر و مفید - کوتاه
۱۵۶۱	thesis	اندیشه اصلی - تز - خط فکری
۱۵۶۲	allay	تسکین دادن - کاهش دادن
۱۵۶۳	cross	ناراحت - عصبانی
۱۵۶۴	foremost	مهمترین - سرشناس ترین - اول
۱۵۶۵	homogeneity	همگونی - یکسانی
۱۵۶۶	perishable	فاسد شدنی
۱۵۶۷	permeate	نفوذ کردن به - فرا گرفتن
۱۵۶۸	spot	تشخیص دادن - یافتن
۱۵۶۹	testimony	شواهد - مدارک
۱۵۷۰	transient	ناپایدار - گذرا
۱۵۷۱	ultra	فوق العاده - بسیار
۱۵۷۲	vapid	کسل کننده - خسته کننده
۱۵۷۳	venerate	تکریم کردن - تجلیل کردن از
۱۵۷۴	void	باطل کردن - بی اعتبار خواندن
۱۵۷۵	willful	یک دنده - کله شق
۱۵۷۶	wistful	غم زده - حسرت بار
۱۵۷۷	affront	توهین - اهانت

۱۵۷۸	depict	مجسم کردن - نشان دادن
۱۵۷۹	endless	مدام - بی پایان
۱۵۸۰	evolution	پیدایش - تکامل
۱۵۸۱	forage	دنبال چیزی گشتن
۱۵۸۲	furnish	فراهم کردن - ارائه کردن
۱۵۸۳	momentarily	برای لحظه ای - برای مدت کوتاهی
۱۵۸۴	oscillate	نوسان داشتن
۱۵۸۵	partitioning	تجزیه - تقسیم
۱۵۸۶	picture	تصویر ذهنی - برداشت
۱۵۸۷	posterity	نسل های آینده - آیندگان
۱۵۸۸	postulate	تداعی کردن
۱۵۸۹	residents	ساکنین - افراد
۱۵۹۰	stunning	با هیبت - باشکوه - جذاب
۱۵۹۱	teeming	پر - آکنده - مملو
۱۵۹۲	demise	ارتحال - مرگ
۱۵۹۳	dissolve	منحل کردن - منحل شدن
۱۵۹۴	exceptional	استثنایی - عجیب - قابل ملاحظه
۱۵۹۵	finding	یافته - کشف
۱۵۹۶	graphic	مبسوط - مفصل - جامع - واضح
۱۵۹۷	grumble	غر زدن
۱۵۹۸	heart	مرکز - قلب - دل
۱۵۹۹	identical	مثل هم - یکسان - عین هم
۱۶۰۰	integral	اساسی - اصلی - ضروری
۱۶۰۱	mode	شیوه
۱۶۰۲	place	نهادن - قائل شدن
۱۶۰۳	revitalize	احیاء کردن
۱۶۰۴	sedentary	بصورت نشسته - بدون فعالیت
۱۶۰۵	sole	تنها
۱۶۰۶	undoubtedly	مطمئناً - بی شک - قطعاً
۱۶۰۷	accessible	قابل حصول - در دسترس
۱۶۰۸	administer	اداره کردن
۱۶۰۹	attain	دست یافتن به - رسیدن به
۱۶۱۰	float	شناور بودن
۱۶۱۱	functional	عملی - کاربردی
۱۶۱۲	ingenuity	خلاقیت - ابتکار - نبوغ
۱۶۱۳	intent	قصد - منظور - هدف
۱۶۱۴	note	پی بردن - مشاهده کردن - توجه کردن
۱۶۱۵	period	زمان - عصر - دوره
۱۶۱۶	periphery	کنار - حاشیه
۱۶۱۷	scarce	نادر - محدود - کمیاب
۱۶۱۸	sham	کذب - تظاهر
۱۶۱۹	scurry	مثل فرفره دویدن - هجوم بردن
۱۶۲۰	subject	در معرض چیزی قرار دادن

۱۶۲۱	vindicate	انتقام گرفتن
۱۶۲۲	attachment	وابستگی - تعلق خاطر
۱۶۲۳	control	مهار کردن - کنترل کردن
۱۶۲۴	fervor	شور و شوق
۱۶۲۵	gleam	درخشیدن - برق زدن
۱۶۲۶	illuminate	توضیح دادن - آشکار ساختن
۱۶۲۷	panorama	چشم انداز - دورنما - منظره
۱۶۲۸	panic	ترساندن
۱۶۲۹	petrify	هراساندن - به وحشت انداختن
۱۶۳۰	prerequisite	پیش نیاز - لازمه
۱۶۳۱	petty	خرد - جزئی - کم اهمیت - ناچیز
۱۶۳۲	prey	طعمه - شکار
۱۶۳۳	quay	بار انداز - اسکله - بندر
۱۶۳۴	spouse	همسر
۱۶۳۵	vocation	حرفه - شغل
۱۶۳۶	unwitting	بی خبر - نادانسته
۱۶۳۷	curb	مهار کردن - کنترل کردن
۱۶۳۸	deadly	مهلک - کشنده
۱۶۳۹	extricate	رها کردن - آزاد کردن
۱۶۴۰	judiciary	قوه قضائیه
۱۶۴۱	pilfer	ناخنک زدن - دزدی کردن
۱۶۴۲	postulate	فرضیه پردازی کردن
۱۶۴۳	primary	اصلی - عمده - مهم
۱۶۴۴	radiate	ساطع کردن
۱۶۴۵	remorse	افسوس - تاسف
۱۶۴۶	repress	فرونشاندن - سرکوب کردن
۱۶۴۷	rough	اولیه - خام
۱۶۴۸	subjugation	کنترل
۱۶۴۹	terrain	زمین
۱۶۵۰	withdrawal	عقب نشینی - دفع
۱۶۵۱	zeal	اشتیاق - شور و شوق
۱۶۵۲	earmark	اختصاص دادن
۱۶۵۳	embrace	در آغوش گرفتن
۱۶۵۴	multipurpose	چند منظوره - چند کاره
۱۶۵۵	pertain	ارتباط داشتن با
۱۶۵۶	product	ثمره - حاصل - نتیجه
۱۶۵۷	rough	تقریبی
۱۶۵۸	season	خوشمزه کردن - چاشنی زدن
۱۶۵۹	solely	فقط - تنها
۱۶۶۰	swirl	چرخ زدن
۱۶۶۱	thwart	دفع کردن - مانع شدن
۱۶۶۲	ulcer	جراحت - زخم
۱۶۶۳	vigorous	پر نیرو - نیرومندانانه - پر انرژی

۱۶۶۴	wheeze	سوت کشیدن - خس خس کردن
۱۶۶۵	whittle	تقلیل دادن - کاهش دادن
۱۶۶۶	wholesome	مفید
۱۶۶۷	cope	حریف شدن - مقابله کردن
۱۶۶۸	disorder	نابسامانی - اختلال - بیماری
۱۶۶۹	gamut	طیف - دامنه - گسترده
۱۶۷۰	ironic	غیر منتظره - عجیب
۱۶۷۱	keep	ادامه دادن
۱۶۷۲	moratorium	تعلق - توقف
۱۶۷۳	posture	حالت - وضعیت
۱۶۷۴	quench	فرونشاندن
۱۶۷۵	pessimistic	منفی
۱۶۷۶	recession	رکورد
۱۶۷۷	rectify	تصحیح کردن - اصلاح کردن
۱۶۷۸	revert	بازگشتن
۱۶۷۹	shatter	از بین بردن - متلاشی کردن
۱۶۸۰	shovel	انتقال دادن
۱۶۸۱	venerable	پیر - محترم - مقدس
۱۶۸۲	costume	لباس
۱۶۸۳	grant	دادن - اعطاء کردن
۱۶۸۴	harness	بکار بردن - مهار کردن
۱۶۸۵	laden	زیر بار
۱۶۸۶	laud	تحسین کردن - ستودن
۱۶۸۷	layout	طراحی
۱۶۸۸	legitimate	مشروع - قانونی
۱۶۸۹	litter	پخش و پلا کردن
۱۶۹۰	luscious	خوشمزه - رسیده - آبدار
۱۶۹۱	mortality	مرگ و میر
۱۶۹۲	munch	جویدن - گاز زدن
۱۶۹۳	nasty	ناخوشایند - بد
۱۶۹۴	quiver	لرزیدن
۱۶۹۵	rate	سرعت
۱۶۹۶	relative	نسبی
۱۶۹۷	conglomeration	ترکیب
۱۶۹۸	immerse	غوطه ور ساختن - زیر آب بردن
۱۶۹۹	impede	باز داشتن - مانع شدن
۱۷۰۰	implant	قرار دادن - جا دادن
۱۷۰۱	inflate	مبالغه کردن - غلو کردن
۱۷۰۲	jargon	زبان محلی
۱۷۰۳	jeopardize	به خطر انداختن
۱۷۰۴	jolly	با نشاط - شاد
۱۷۰۵	jubilant	شادمان - مشعوف
۱۷۰۶	judicious	عاقلا نه - منطقی

۱۷۰۷	kindle	آتش زدن - روشن کردن
۱۷۰۸	lithe	انعطاف پذیر - نرم
۱۷۰۹	living	معاش - درآمد
۱۷۱۰	mechanism	روش - شیوه - متد
۱۷۱۱	unforeseen	پیش بینی نشده
۱۷۱۲	blubber	چربی
۱۷۱۳	close	پایان - انتها
۱۷۱۴	dearth	کمبود
۱۷۱۵	debris	آثار بازمانده
۱۷۱۶	fabrication	دروغ
۱۷۱۷	gabble	ورور کردن - بلغور کردن
۱۷۱۸	habitat	زیستگاه
۱۷۱۹	hybrid	نژاد دورگه
۱۷۲۰	inclement	نامساعد - بد
۱۷۲۱	pursue	تعقیب کردن - دنبال کردن
۱۷۲۲	ponderous	سنگین - ثقیل
۱۷۲۳	raging	غضبناک - خشمگین
۱۷۲۴	singular	برجسته - استثنائی
۱۷۲۵	gasp	نفس نفس زدن
۱۷۲۶	depreciate	افت کردن - کاهش یافتن
۱۷۲۷	destined	مقدر
۱۷۲۸	discharge	مرخص کردن
۱۷۲۹	disclose	افشاء کردن - برملا ساختن



در کانال تلگرام کارنیل هر روز انگیزه خود را شارژ کنید ☺

<https://telegram.me/karnil>

